

دکتر حسین شعبانعلی فمی *

امیرحسین علی بیگی **

رویا کرمی ***

معصومه رحیمزاده ****

عوامل مؤثر بر انگیزش دختران روستایی کرمانشاه برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران
hfami@ut.ac.ir

** عضو هیئت علمی دانشگاه کرمانشاه

*** کارشناس ارشد وزارت جهاد کشاورزی

**** دانشجوی رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده

کشاورزی یکی از ارکان اساسی اقتصاد ایران است. توسعه‌ی کشاورزی، بدون توان‌مندسازی و مدیریت منابع انسانی در این بخش امکان‌پذیر نیست. یکی از مشکلات بخش کشاورزی در سال‌های اخیر، مواجهه با پدیده‌ی پیرگرایی و بالا رفتن متوسط سن کشاورزان است. بنابراین یک چالش اساسی برنامه‌ریزان کشاورزی، یافتن راه‌کارهایی برای جذب، آموزش و ورود نیروهای جوان به این بخش است. از آن‌جا که زنان سال‌های متمادی نقش‌های مهمی در بخش کشاورزی ایفا نموده و می‌نمایند، نمی‌توان جای‌گاه آن‌ها را نادیده انگاشت. یک بخش کشاورزی پویا، باید بتواند از ظرفیت‌های نیروی انسانی جوان دختر و پسر به طور هم‌زمان استفاده کند. با توجه به کم‌علاقگی جوانان برای پذیرش شغل کشاورزی، این تحقیق با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش دختران روستایی کرمانشاه برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی انجام شده‌است. بدین منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی-تصادفی، ۱۸۷ نفر دختر روستایی از ۶ بخش و ۱۱ روستای شهرستان انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد. این بررسی نشان داد که انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی در حد متوسط است. بر اساس تحلیل رگرسیون، ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی انگیزش، توسط ۵ متغیر تبیین می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها میزان مشارکت در امور کشاورزی است. سطح تحصیلات مادران بر انگیزش دختران تأثیر منفی دارد.

کلیدواژه‌ها

دختران روستایی؛ انگیزش؛ کشاورزی؛ مشارکت؛ جوانان.

مقدمه

کشاورزی به دلیل کارکردهای ویژه‌اش، همواره به عنوان یکی از محورهای مهم توسعه‌ی کشورها محسوب می‌شود. در ایران نیز، این بخش، علاوه بر دارا بودن سهم قابل توجه در تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و صادرات غیرنفتی، تأمین‌کننده‌ی امنیت غذایی کشور است. توسعه‌ی کشاورزی در ایران، مستلزم توجه به عوامل اساسی تولید از جمله نیروی انسانی است. بدون توسعه‌ی منابع انسانی، توسعه‌ی اقتصادی در هیچ یک از زیربخش‌ها امکان‌پذیر نیست. اگر از منظرگاه توسعه و مدیریت منابع انسانی به بخش کشاورزی نگریده‌شده‌شود، مشکلات زیادی قابل مشاهده است. یکی از مشکلات اساسی این بخش، از بعد نیروی انسانی، گسترش پدیده‌ی پیرگرایی یا افزایش متوسط سن کشاورزان و تولیدکنندگان زن و مرد است. بنابراین، پیش از آن که این بخش، از بعد نیروی انسانی دچار مشکلات جبران‌ناپذیر شود، باید چاره‌جویی کرد. آموزش و تربیت جوانان روستایی. علاقه‌مند، و زمینه‌سازی ورود آن‌ها به این بخش، راهی برای حل مشکل مذکور است. به عبارت دیگر، از امروز باید برای کشاورزان آینده‌ی ایران اندیشه و اقدام کرد. بررسی‌ها ثابت کرده که کشاورزی بخشی متعلق به مردان نیست، بلکه فرصت‌های زیادی را برای شکوفاسازی و توان‌مندسازی دختران و زنان روستایی فراهم می‌سازد. البته، اگر بخش کشاورزی سنتی، فشارها و سختی‌هایی را به همراه دارد، این تنها بر دوش زنان نبوده، بلکه مردان کشاورز نیز از این شرایط دشوار رنج می‌برند و بیش‌ترشان به خاطر تحمل این مشکلات، دردهای ناشی از بیماری‌های مزمنی چون کمردرد، پادرد و مانند آن را تحمل می‌کنند. به هر حال، کشاورزی باید دچار تحولات اساسی شود تا به طور هم‌زمان، ضمن کاستن فشارهای روحی و جسمی کشاورزان، با معرفی فن‌آوری‌های نوین، زمینه را برای ورود دختران مستعد و علاقه‌مند در زمینه‌ها و حیطه‌های مناسب فراهم سازد.

چارچوب نظری

در رابطه با انگیزش، تعاریف و مفاهیم گوناگونی وجود دارد. این اصطلاح، اولین بار از واژه‌ی لاتین موور^۱ که به معنای حرکت است گرفته شده است (ستیز و پورتر، ۱۳۷۲). اما این کلمه برای بیان منظور کافی نیست. انگیزه، در روان‌شناسی اصطلاحی است که برای عاملی داخلی به کار برده می‌شود که موجود زنده را به فعالیت در می‌آورد؛ جاذبه‌ی آن، قبل از رسیدن به هدف، نشاط‌آور و لذت‌بخش است؛ رفتارش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به سوی هدفی سوق می‌دهد (پروا، ۱۳۶۳). به نقل از سیف (۱۳۷۱)، انگیزش همانند موتور و فرمان اتومبیل و مفاهیم عمده‌ی انگیزش در این قیاس، نیرو و جهت است. بافورد و بدیان (۱۳۷۵) نیز، انگیزش را نوعی آمادگی برای بروز رفتار ارادی و هدفمند برای رفع نیازهای ارضانشده می‌دانند.

در تعریف انگیزش، به سه مؤلفه‌ی بسیار مهم توجه شده که عبارت است از:

- ۱- انرژی یا نیرودهی به رفتار، علایم یا نشانه‌های محیطی، خاطرها و نیز پاسخ‌های عاطفی که افراد را به رفتاری معین هدایت می‌کند.
- ۲- هدف، که رفتار فرد را هدایت کرده، یا به آن جهت می‌دهد.
- ۳- بقا و دوام رفتار؛ رفتار وقتی ادامه می‌یابد که عوامل محیطی، جهت و شدت نیروهای درونی فرد را تقویت کنند.

از ترکیب این سه جزء، تعریف کلی زیر ارائه شده است:

«فرآیند انگیزش، به نیروهای پیچیده، سابقه‌ها، نیازها، شرایط تنش‌زا یا سازوکارهای دیگری اطلاق می‌شود که فعالیت فرد را برای تحقق هدف‌های وی آغاز کرده و به آن تداوم می‌بخشد» (نائلی، ۱۳۷۳).

تا این‌جا، می‌توان گفت که انگیزش مفاهیم مختلفی دارد، اما همه به این نکته واقف اند که انگیزش، عاملی است که رفتار شخص را تحریک می‌کند، آن را به جهتی معین سوق می‌دهد و هم‌آهنگ می‌نماید.

شعاری‌نژاد (۱۳۷۰) در خصوص ماهیت انگیزش می‌نویسد: «انگیزش رفتار، چیز یا حادثه‌ی خاصی نیست که مستقیماً قابل مشاهده باشد، بلکه سازه‌ئی داخلی است که جنبه‌های خاص رفتار (دو جنبه از رفتار) را با مفاهیم تحریک و انگیزش توصیف می‌کند. این دو جنبه عبارت است از توجیه رفتار یا هدفی که رفتار به سوی آن متوجه است و انرژی متناسبی که برای بروز آن رفتار صرف می‌شود».

پس، اصطلاح انگیزش به دو مسئله‌ی متفاوت اطلاق می‌شود: یکی این که چه چیزی یک موجود زنده را فعال می‌کند، و دوم این که چه چیز یک شکل از فعالیت را بر سایر فعالیت‌ها مسلط می‌گرداند.

به نقل از کدیور (۱۳۷۹)، انگیزش افراد، هم از لحاظ شدت و هم از لحاظ جهت متفاوت است. البته جدا کردن شدت و جهت انگیزه‌ها از هم آسان نیست.

با عنایت به مطالب مزبور، معمولاً انگیزش را فرآیندی می‌دانند که در برانگیختن، جهت دادن و پایایی رفتار دخیل است. برای نمونه، انگیزش را برای نشان دادن این امر به کار می‌برند که چرا یک انسان به جای این که خواب باشد بیدار است، چرا روی این عمل فعالیت می‌کند و از انجام اعمال دیگری که در توان او است سر باز می‌زند، و چرا در انجام این تکلیف پافشاری می‌کند و به فعالیت‌های دیگر نمی‌پردازد. به نظر بال (۱۳۷۳)، در این‌جا باید بر چند مشکل اساسی تأکید کرد:

نخست آن که هنگامی که ما انگیزش را بدین صورت تعریف می‌کنیم، باید توجه داشته‌باشیم که انگیزش، ساختاری فرضی است، یعنی نمی‌توانیم به گونه‌ئی مستقیم انگیزش شخص را مشاهده کنیم؛ بلکه تنها چیزی را که می‌توانیم ببینیم، رفتار شخصی و محیطی است که در آن فعالیت می‌کند.

انگیزش رفتار شخص، چیزی است که ما برداشت می‌کنیم. انگیزش، چیزی است در درون شخص و در کنش متقابل با محیط که ما فرض می‌کنیم که موجب تحریک، جهت دادن و پایایی رفتار می‌شود. این چیز، با توجه به دانش کنونی ما، به طور مستقیم سنجش‌پذیر نیست؛ افزون بر این، انگیزش، دارای کاربردی مفهومی است، زیرا به ما خاطر نشان می‌کند که در بحث انگیزش درباره‌ی مفهومی صحبت کنیم که در شناخت رفتار، ما را یاری می‌دهد. اگر این برداشت مفید باشد و اگر ما را در پیش‌بینی و کنترل رفتار یاری دهد، در این صورت خواهیم‌گفت که برداشتها و مفاهیم ما درست است، هرچند که همچنان برداشت و مفهوم باقی خواهندماند و ما باید همچنان آماده‌ی تجدیدنظر در آنها باشیم.

مشکل دوم، تعریف انگیزش این است که انگیزش بیش از حد به عنوان مفهومی تبیینی^۱ به کار می‌رود. ما می‌خواهیم توان تبیین این نکته را داشته‌باشیم که چرا مردم به شیوه‌های معینی رفتار می‌کنند. در این‌جا، صرفاً مردم و رفتارشان در کنش متقابل با محیط خود توصیف می‌شود و نمی‌توان مدعی شد که رفتار شخص را تبیین می‌کنیم. به فرض، کارشناسی که عمل کرد ضعیف یک کشاورز جوان را تبیین می‌کنده ممکن است بگوید «این جوان به خاطر بی‌علاقگی، عمل کرد خوبی ندارد». برداشت بی‌علاقگی، بر پایه‌ی مشاهده‌ی کشاورز در روستا و مزرعه است و این، همان رفتاری است که ما برای تبیین آن تلاش می‌کنیم. بنابراین، بیان عدم علاقه، استدلالی چرخشی است و نمی‌گذارد که به جست‌وجوی دلایل عینی برای رفتار جوان روستایی باشیم. کارشناس توسعه‌ی روستایی باید تلاش کند که بفهمد چرا جوان روستایی به کشاورزی بی‌علاقه است.

مشکل سوم در رابطه با انگیزش، آن است که انگیزش، تنها یکی از مجموعه عناصر موجود در تار و پود سازه‌های تعیین‌کننده‌ی رفتار است. بدون شک، جوانی که در زمینه‌ی کشاورزی پیش‌رفت داشته و یا نداشته‌باشد، تا

1. Explanatory

اندازه‌ئی تابعی از نیروهای انگیزشی است. عواملی دیگر نیز، از جمله توانایی‌های فطری و قابل آموزش. او، در این بین دخیل است.

چهارمین مشکل، این است که انگیزش دربردارنده‌ی فرآیندهای بسیاری است. اگر بخواهیم عوامل مؤثر بر انگیزش دختران روستایی برای کمک در فعالیت‌های کشاورزی، و توجه آن‌ها به یک فعالیت خاص را بشناسیم، باید چشم‌انداز گسترده‌ئی از پژوهش را از نظر بگذرانیم.

در حیطه‌ی مدیریت منابع انسانی. بخش کشاورزی، یکی از مقوله‌های اساسی که مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار دارد، بررسی و شناخت سازوکارهای انگیزش افراد در این بخش است. انگیزش، به عنوان عامل درونی. شکل‌دهنده‌ی رفتار انسان‌ها، در کیفیت نیروی کار. بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارد. چه بسا فقدان انگیزه یا کاهش آن، به ترک شغل کشاورزی یا حتا روستا بیانجامد. در مقابل، ایجاد انگیزه‌ی کافی، جذب جوانان را به بخش کشاورزی یا بازگشت خانوارهای مهاجرت‌کرده را به روستا در پی خواهدداشت.

امروز که بخش کشاورزی پدیده‌ی پیرگرایی را تجربه می‌کند، شناخت انگیزه‌های جوانان برای ورود به این بخش بسیار مهم است. زمانی (۱۳۷۱) معتقد است که انگیزش زیربنای رفتار انسان است. پذیرش تغییرات اجتماعی، شرکت فعال در یادگیری، قبول مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، حضور در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی و ملی، اعمال مدیریت صحیح، توفیق در تولید و به طور کلی، موفقیت در هر عمل و رفتار، به میزان بسیار زیادی بستگی به انگیزش و تمایلی دارد که در انسان به وجود آید و بروز نماید. بنابراین، با توجه به اهمیت انگیزش در تحرک، مسئولیت‌پذیری، سازندگی و توان‌مندسازی، در تحقیق حاضر تلاش شده‌است تا با الهام از نظریه‌پردازی‌های حوزه‌ی انگیزش، عوامل مؤثر بر انگیزش دختران روستایی کرمانشاه برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی بررسی شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است، چون نتایج آن برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران ترویج قابل استفاده می‌باشد. همچنین، این تحقیق از نظر گردآوری داده‌ها، میزان نظارت و درجه‌ی کنترل متغیرها، و قابلیت تعمیم، از نوع تحقیق پیمایشی است.

در این تحقیق، به منظور انجام بررسی نظام‌مند، بر اساس مطالعات و تحقیقات پیشین، نظر کارشناسان و تجربه‌ی محقق، فرضیه‌های زیر تدوین شد:

۱- بین سن/سواد دختران روستایی و انگیزه‌ی آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی رابطه وجود دارد.

۲- بین سطح درآمد خانوار دختران روستایی و انگیزه‌ی آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی رابطه وجود دارد.

۳- بین بُعد خانوار دختران روستایی و انگیزه‌ی آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی رابطه وجود دارد.

با توجه به این که مقیاس جامع و مناسبی برای اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی این تحقیق، یعنی انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی پیدا نشد، تصمیم بر آن شد تا مقیاسی برای اندازه‌گیری این متغیر تهیه شود. بدین منظور، از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی داخلی مقیاس و آزمون من-وایتنی برای تعیین قدرت تشخیص و تمایز هر گویه استفاده شد، که در نهایت، هیچ کدام از گویه‌ها حذف نگردید و در مقیاس اولیه باقی ماند.

در ضمن، در کل مقیاس، هشت بعد اساسی تحت عناوین ارزش‌گذاری، سودمندی، تلاش و اهمیت دادن، ادراک، توان‌مندی، علاقه‌مندی و لذت‌بخشی، مرتبط بودن، قدرت انتخاب، و احساس فشار و تنش و محدودیت شناسایی شد که در نتایج منعکس گردیده‌است.

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، دختران روستایی شهرستان کرمانشاه بود که در خانوارهای کشاورز زندگی می‌کردند. برای برآورد تعداد دختران روستایی ۱۰ساله و بالاتر شاغل در فعالیت‌های کشاورزی در شهرستان کرمانشاه، از داده‌های مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶)، و برای برآورد درصد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی از گزارش تحقیقاتی (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۲) استفاده شد. بر این اساس، تعداد کل دختران روستایی ساکن در خانوارهای کشاورزی، در نقاط روستایی شهرستان، حدود ۷۱۱۷ نفر برآورد شد که در این تحقیق، جامعه‌ی آماری تلقی می‌شود. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ئی تصادفی استفاده شد. به طور کلی، از ۶ بخش و ۱۱ روستای شهرستان کرمانشاه، ۱۸۷ نفر دختر روستایی بالای ۱۰ سال که در خانوارهای کشاورزی زندگی می‌کردند به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. برای تعیین واریانس جامعه‌ی مورد مطالعه، ۳۰ نفر از دختران روستایی شهرستان کرمانشاه در مرحله‌ی اول به صورت تصادفی انتخاب و پیش‌آزمون شدند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و بر اساس واریانس متغیرهای وابسته‌ی حجم نمونه، ۱۸۷ نفر پذیرفته‌شدند.

در این تحقیق، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسش‌نامه استفاده شد که در بخش اول، ویژگی‌های عمومی و در بخش دوم، مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرهای وابسته آمده‌است. به منظور سنجش اعتبار پرسش‌نامه، از نظرات تعدادی از کارشناسان و اساتید گروه ترویج دانشگاه تهران استفاده شد. قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که نتیجه‌ی آن در جدول ۱ آمده‌است.

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز این تحقیق، از مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ئی و جست‌وجوی منابع الکترونیکی و مطالعه‌ی میدانی (مصاحبه) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری متنوع مانند آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون t ، ضریب هم‌بستگی و رگرسیون) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS Win 10 استفاده گردید.

جدول ۱- میزان پایایی مقیاس‌های تهیه‌شده برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	ضریب α
میزان مشارکت در فعالیتهای دامداری	۰/۹۶
میزان مشارکت در فعالیتهای زراعی	۰/۸۹
انگیزش برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی	۰/۹۱

یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، میانگین سن پاسخ‌گویان ۱۷/۵ سال بود و ۶۲ درصد از آن‌ها بعد از گرفتن مدرک پنجم ابتدایی ترک تحصیل کرده بودند. ۵۲ درصد از پدران و ۷۶ درصد از مادران افراد مورد مطالعه، بی‌سواد بودند و سطح تحصیلات بقیه در حد ابتدایی تا راهنمایی بود. شغل اصلی ۷۹ درصد از پدران پاسخ‌گویان، کشاورزی بود و ۲۱ درصد باقی‌مانده نیز، در یکی از مشاغل فرعی کشاورزی شاغل بودند. مادران تمام پاسخ‌گویان، خانه‌دار بودند. در ۹۴ درصد موارد، پدر خانواده و در بقیه، مادر خانواده سرپرست خانوار بود. تجربه‌ی کشاورزی ۵۶ درصد و تجربه‌ی دامداری ۶۹ درصد خانواده‌ها، حدود ۱ تا ۱۰ سال بود. تعداد اعضای خانواده‌ی پاسخ‌گویان، به طور متوسط ۶ نفر بود و ۸۰ درصد خانواده‌ها فاقد فرزند زیر ۵ سال بودند.

حدود ۳۰ درصد از خانواده‌ها دارای زمین زراعی آبی (با میانگین ۷/۷ هکتار) بودند، ۷۳ درصد نیز دارای زمین زراعی دیم (با میانگین ۸/۷ هکتار) و خانواده‌های ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان دارای کم‌تر از یک هکتار زمین آبی بودند. تنها ۶ درصد از پاسخ‌گویان باغ داشتند. ۴۵ درصد از خانواده‌ها دارای گاو شیری بومی و ۲۷ درصد دارای گوساله‌ی پرواری بومی بودند. میزان مالکیت گاو شیری و گوساله‌ی پرواری دورگ و خارجی قابل توجه نبود (حدود ۳ درصد). حدود ۸۰ درصد از خانوارهای پاسخ‌گویان طیور خانگی از قبیل مرغ، خروس و بوقلمون، و ۴۵ درصد نیز گوسفند داشتند.

برای تحلیل انگیزش دختران روستایی شهرستان کرمانشاه برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، ابعاد اساسی این پدیده بررسی شد. جدول ۲ نشان‌دهنده‌ی گویه‌های مربوط به ابعاد مختلف بیان‌گر انگیزش پاسخ‌گویان است. این ابعاد عبارت است از: ارزش‌گذاری به شغل کشاورزی، سودمندی کشاورزی، تلاش و اهمیت دادن، ادراک شایستگی در زمینه‌ی کشاورزی، علاقه‌مندی به کشاورزی و لذت بردن از انجام آن، مرتبط بودن، قدرت انتخاب، و احساس فشار، تنش و محدودیت حاصل از فعالیت‌های کشاورزی.

اهمیت نسبی هر گویه از این ابعاد، با محاسبه‌ی میانگین نمره‌ی افراد در هر گویه (از ۵) مشخص شد که در جدول مذکور آمده‌است. به گویه‌های منفی، بر عکس گویه‌های مثبت نمره داده‌شد؛ برای مثال، در گویه‌های مثبت، به «کاملاً موافق ام» و در گویه‌های منفی، به «کاملاً مخالف ام» نمره‌ی ۵ داده‌شد.

جدول ۲- مقایسه‌ی اهمیت زیرمقوله‌های انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

انحراف معیار	میانگین نمره در گویه (از ۵)	گویه‌های تبیین‌کننده‌ی ابعاد هشت‌گانه‌ی انگیزش
۱- ارزش‌گذاری به شغل کشاورزی		
۱/۱۳	۳/۵	در شغل کشاورزی تجربیات جدید و خوبی برای من وجود دارد.
۱/۰۹	۳/۷	خانواده به مشارکت من در کشاورزی اهمیت می‌دهد.
۱/۲۱	۳	کشاورزی برای من آینده‌ی رضایت‌بخش دارد.
۱/۱	۳	جامعه به مشارکت دختران در کشاورزی بها می‌دهد.
۱/۱۴	۳/۶	انجام فعالیت‌های کشاورزی باعث سلامت جسمانی من می‌شود.
۱/۲۲	۳/۴	فعالیت‌های کشاورزی برای من بسیار با ارزش است.
۱	۴	انجام فعالیت‌های کشاورزی برای پیش‌رفت روستا بسیار مفید است.
۱/۳	۲/۷	حتا اگر شغل اصلی من کشاورزی نباشد، دوست دارم کارهای کشاورزی را به صورت فرعی انجام دهم.
۱/۱	۴/۱	کشاورزی کشور را از وابستگی نجات می‌دهد.
۳/۱	۳/۳	کشاورزی باعث نشاط روحی من می‌شود.

ادامه‌ی جدول ۲- مقایسه‌ی اهمیت زیرمقوله‌های انگیزش دختران
روستایی برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی

انحراف معیار	میانگین نمره در گویه (از ۵)	گویه‌های تبیین‌کننده‌ی ابعاد هشت‌گانه‌ی انگیزش
۲- سودمندی شغل کشاورزی		
۱/۱۶	۳/۲	درآمد کشاورزی، به عنوان شغل، رضایت‌بخش است.
۱/۲۴	۳/۱	نیازهای اقتصادی من با انتخاب شغل کشاورزی تأمین می‌شود.
۱/۱۵	۳/۵	مشارکت من در کشاورزی باعث افزایش درآمد خانواده می‌شود.
۱/۲۵	۳/۴	درآمد کشاورزی از درآمد سایر مشاغل کمتر نیست.
۳- تلاش و اهمیت دادن به شغل کشاورزی		
۱/۳	۳/۳	من مشارکت زیادی در انجام فعالیتهای کشاورزی دارم.
۱/۱۲	۳/۷	من کارهای کشاورزی واگذار شده را با جدیت انجام می‌دهم.
۱/۲	۳/۱	من برای انجام کارهای کشاورزی خود را به زحمت می‌اندازم.
۱/۲۳	۳	من سعی می‌کنم بیش‌تر انرژی خود را صرف کارهای کشاورزی کنم.
۴- ادراک توان‌مندی و شایستگی در زمینه‌ی کشاورزی		
۱/۲	۳/۳	من فکر می‌کنم فردی موفق در انجام فعالیتهای کشاورزی هستم.
۱/۱	۳	در صورت فعالیت در کشاورزی، پیش‌رفت‌ام بیش از سایر دختران خواهدبود.
۱/۲	۳/۲	من از کیفیت کارهای کشاورزی که انجام می‌دهم راضی هستم.
۱/۲	۳/۱	من فکر می‌کنم دارای توانایی‌های خوبی برای انجام فعالیتهای کشاورزی هستم.
۱/۲	۲/۸	من مهارت کافی برای انجام بسیاری از کارهای کشاورزی دارم.
۱/۱۴	۳/۷	برای من خیلی مهم است که کارهای کشاورزی را با دقت انجام دهم.
۵- علاقه‌مندی و لذت‌بخشی		
۱/۲	۳/۵	من از انجام فعالیتهای کشاورزی لذت می‌برم.
۱/۲	۳/۵	کشاورزی شغل سطح بالایی است.
۱/۱	۲/۵	اغلب، فکر می‌کنم اگر در آینده در شغل کشاورزی کارکنم جالب‌تر خواهدبود.
۱/۲	۲/۲۵	من مایل ام کارهای سخت و دشوار را انجام دهم.
۱/۳	۲/۷	کشاورزی برای دختران خسته‌کننده نیست.
۱/۳	۳/۳	همیشه به انجام فعالیتهای کشاورزی علاقه داشته‌ام.

ادامه‌ی جدول ۲- مقایسه‌ی اهمیت زیرمقوله‌های انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

انحراف معیار	میانگین نمره در گویه (از ۵)	گویه‌های تبیین‌کننده‌ی ابعاد هشت‌گانه‌ی انگیزش
۶- مرتبط بودن شغل کشاورزی با توانایی دختران روستایی		
۱/۴	۲/۷	من احساس می‌کنم دختران هم می‌توانند کشاورزی کنند.
۱/۲	۳/۳	من فکر می‌کنم می‌توانم خود را با محیط کشاورزی عادت دهم.
۱/۳	۲/۶۵	من ترجیح می‌دهم در آینده خود را درگیر کارهای کشاورزی کنم.
۷- قدرت انتخاب شغل کشاورزی		
۱/۳	۲/۹	من مجبور نیستم کارهای کشاورزی که از من خواسته می‌شود را انجام دهم.
۱/۲	۳/۱	من کارهای کشاورزی را با رغبت انجام می‌دهم.
۱/۳	۲/۶	من چون کار دیگری برای‌ام وجود ندارد مجبور به انجام کارهای کشاورزی نیستم.
۸- احساس فشار، تنش و محدودیت از شغل کشاورزی		
۱/۱	۲/۷	انجام کارهای کشاورزی، بیش‌تر از توانایی جسمانی من نیست.
۱	۲/۶	محدودیت‌های زیادی برای دختر روستایی در انجام دادن کارهای کشاورزی وجود ندارد.
۱/۴	۲/۹	من برای انجام کارهای کشاورزی دلپره ندارم.
۱/۳	۲/۶	من به خاطر انجام کارهای کشاورزی عصبانی نمی‌شوم.
۱/۳	۲/۹	من در انجام کارهای کشاورزی احساس راحتی می‌کنم.

برای هر یک از ابعاد کلی انگیزش نیز، یک میانگین کلی با استفاده از میانگین گویه‌های تشکیل‌دهنده محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده‌است. برای مثال، میانگین کلی بُعد ارزش‌گذاری به شغل کشاورزی ۳/۳۸ است.

همان گونه که دیده می‌شود، ابعاد ارزش‌گذاری و سودمندی، دارای بالاترین اولویت‌ها، به ترتیب با میانگین ۳/۳۸ و ۳/۳۴، و قدرت انتخاب و احساس فشار، تنش و محدودیت، پائین‌ترین اولویت‌ها را، به ترتیب با میانگین‌های ۲/۸۳ و ۲/۷۶ دارا است. این بدان معنا است که واجد ارزش بودن شغل

کشاورزی و این که این شغل از سودمندی برخوردار است، بیش از بقیه‌ی ابعاد بر انگیزش دختران روستایی. مورد مطالعه تأثیر می‌گذارد؛ در حالی که اختیار پایین. دختران برای انتخاب شغل کشاورزی، و فشارها و تنش‌های این شغل، کم‌ترین تأثیر را بر انگیزش آن‌ها دارد و چه بسا باعث کاهش آن می‌گردد.

جدول ۳- اولویت‌بندی زیرمقوله‌های انگیزه‌ی دختران روستایی مورد مطالعه برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی

اولویت	انحراف معیار	میانگین (از ۵)	زیرمقوله
۱	۰/۵۶	۳/۳۸	ارزش‌گذاری
۲	۰/۷۴	۳/۳۴	سودمندی
۳	۰/۸۲	۳/۲۱	تلاش و اهمیت دادن
۴	۰/۷۸	۳/۲۰	ادراک توان‌مندی
۵	۰/۷۵	۲/۹۴	علاقه‌مندی و لذت‌بخشی
۶	۰/۹۳	۲/۸۷	مرتبط بودن
۷	۰/۹۱	۲/۸۳	قدرت انتخاب
۸	۰/۷۸	۲/۷۶	احساس فشار و تنش

جدول ۴، وضعیت انگیزش دختران روستایی را برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی نشان می‌دهد.

جدول ۴- وضعیت انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی

وضعیت انگیزش	درصد	درصد تجمعی
بالا	۲۵	۲۵
متوسط	۴۸	۷۳
پائین	۲۷	۱۰۰

همان گونه که دیده‌می‌شود، ۲۵ درصد از دختران روستایی، دارای انگیزش بالا برای مشارکت در فعالیتهای کشاورزی هستند. ۲۷ درصد نیز نسبت به این

شغل انگیزش پایین دارند. البته، در کل، انگیزش آن‌ها در حد متوسط برآورد شده‌است.

برای بررسی تفاوت بین میزان انگیزش دختران روستایی ترک تحصیل کرده و دختران روستایی درحال تحصیل نسبت به کشاورزی، از آزمون t استفاده شد. بر این اساس، انگیزش افراد ترک تحصیل کرده و افراد درحال تحصیل با یکدیگر تفاوت معنادار ندارد. برای بررسی تفاوت بین میزان انگیزش دختران روستایی که شغل اصلی پدرشان کشاورزی است و دختران روستایی که شغل اصلی پدر آن‌ها مشاغل فرعی کشاورزی است نیز از آزمون مزبور استفاده شد. بر اساس نتایج، این گونه استنباط می‌شود که انگیزش این دو گروه نسبت به شغل کشاورزی، از نظر آماری متفاوت و این تفاوت معنادار است.

برای شناسایی متغیرهای تبیین‌کننده‌ی تغییرات انگیزش دختران روستایی. مورد مطالعه، از رگرسیون چندگانه‌ی گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج حاصل، در جدول ۵ آمده‌است.

جدول ۵- متغیرهای مؤثر بر انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی بر اساس تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام

مدل	مقدار B	خطای معیار	β	t	σ
(مقدار ثابت)	۱۱۵/۰۹۵	۶/۱۳	-	۱۸/۸	۰/۰۰۰
میزان مشارکت در امور کشاورزی	۰/۲۳	۰/۴۷	۰/۳۴	۴/۹	۰/۰۰۰
میزان تجربه‌ی دامداری خانوار	-۰/۷	۰/۲۲	-۰/۳۲	-۳/۲	۰/۰۰۱
سطح تحصیلات مادر	-۵/۵	۲/۶۷	-۰/۱۴	-۲/۰۶	۰/۰۴
میزان تجربه‌ی کشاورزی خانوار	۰/۴	۰/۱۸	۰/۲۱	۲/۲	۰/۰۳
تعداد پسر خانواده	۲/۶	۱/۳	۰/۱۴	۲	۰/۰۴

ضریب هم‌بستگی چندگانه (R) در این تحلیل رگرسیونی، برابر ۰/۴۶، و ضریب تعیین (R^2)، برابر با ۰/۲۱ است. بدین ترتیب می‌توان گفت که متغیرهای موجود در مدل رگرسیونی مذکور، در کل، ۲۱ درصد از تغییرات

انگیزش برای مشارکت در کشاورزی را تبیین می‌کند. همان گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، متغیر میزان مشارکت در امور کشاورزی، در برابر متغیرهای موجود، اهمیت بیشتری در تبیین تغییرات انگیزش و یا در پیش‌بینی انگیزش افراد مورد مطالعه دارد.

جدول ۶، ضریب هم‌بستگی چندگانه و ضریب تعیین را برای متغیرهای پیش‌بین فوق و متغیر وابسته‌ی انگیزش نشان می‌دهد. همان گونه که دیده می‌شود، با افزایش هر متغیر به مدل رگرسیونی، میزان ضریب هم‌بستگی چندگانه و ضریب تعیین افزایش می‌یابد.

جدول ۶- ضریب هم‌بستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش‌بین و انگیزش دختران برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی

متغیر پیش‌بین/مستقل	R	R ²	میزان تغییر در R ²
میزان مشارکت در امور کشاورزی	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۱۲
میزان تجربه‌ی دامداری خانوار	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۰۳
سطح تحصیلات مادر	۰/۴۲	۰/۱۸	۰/۰۳
میزان تجربه‌ی کشاورزی خانوار	۰/۴۴	۰/۲۰	۰/۰۲
تعداد پسر خانواده	۰/۴۶	۰/۲۱	۰/۰۱

بر اساس جدول ۶، از بین متغیرهای مستقل یا پیش‌بین مورد نظر، متغیر تعداد پسر خانواده، میزان واریانس تبیین‌شده توسط متغیرهای مستقل دیگر را صرفاً یک‌درصد افزایش می‌دهد. بیش‌ترین سهم در این میان، متعلق به متغیر میزان مشارکت در امور کشاورزی است که درصد قابل توجهی (۱۲ درصد) از تغییرات انگیزش برای مشارکت در کشاورزی را تبیین می‌نماید. بنابراین، می‌توان گفت یکی از عوامل شکل‌دهنده‌ی انگیزش دختران روستایی، میزان مشارکت آن‌ها در امور کشاورزی است؛ یعنی افرادی که مشارکت فعلی آن‌ها در امور کشاورزی بیش‌تر است، انگیزه‌ی بالاتری نیز دارند. البته، هر یک از متغیرهای مذکور به میزانی در پیش‌بینی میزان انگیزش دخیل اند.

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌ها، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که اکثر دختران روستایی شهرستان کرمانشاه، پس از اخذ مدرک پنجم ابتدایی، تحصیل را ترک می‌کنند. این امر، برآمده از مسائل و هنجارهای فرهنگی و امکانات آموزشی در دسترس جامعه روستایی است (البته والدین آن‌ها نیز از سطح سواد مناسبی برخوردار نیستند)؛ بنابراین، اوقات فراغت و بی‌کاری آن‌ها زیاد است و از آنجایی که در منطقه‌ی مورد نظر، صنایع دستی از جای‌گاه خوبی برخوردار نیست، تنها گزینه‌ی موجود برای استفاده از وقت، کمک در امور منزل و کشاورزی است.

دختران روستایی مورد نظر، شغل کشاورزی را شغلی باارزش و سودمند می‌دانند و بر این باور اند که مشارکت آن‌ها در امور کشاورزی، درآمد و رفاه اقتصادی آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ ولی در این باره که انجام فعالیت‌های کشاورزی باعث احساس فشار، اضطراب و محدودیت در آن‌ها می‌شود، تقریباً بی‌نظر هستند. در کل انگیزش آن‌ها نسبت به کشاورزی در حد متوسط است.

میزان مشارکت دختران روستایی در امور کشاورزی، تأثیر قابل توجهی در انگیزش آن‌ها نسبت به کشاورزی دارد. سطح تحصیلات مادران نیز در این انگیزش تأثیرگذار است، ولی تأثیر آن منفی است. دلیل احتمالی این امر آن است که مادران باسوادتر، از مشارکت دختران خود در امور کشاورزی خرسند نیستند، و این امر بر انگیزش آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین، دخترانی که شغل پدرشان کشاورزی است، انگیزش بهتری نسبت به این شغل دارند.

به طور کلی، بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که درک سودمندی و مشارکت در کشاورزی، دو عامل پیش‌برنده در بهبود انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های این بخش است، در حالی که سختی کار و اجبار به پذیرش برخی از مسئولیت‌ها، از عوامل بازدارنده در شکل‌گیری انگیزش مثبت در این فرآیند است.

این تحقیق نشان می‌دهد که پیرگرایی رایج در بخش کشاورزی می‌تواند ریشه در افت سطح انگیزش دختران و پسران روستایی برای مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی داشته‌باشد. انگیزش، عامل درونی شکل‌دهنده‌ی رفتار این افراد است که خود متأثر از عوامل دیگری می‌باشد. تقویت عوامل پیش‌برنده و تضعیف عوامل بازدارنده در تکامل انگیزش جوانان روستایی، گامی اساسی برای مقابله با پدیده پیرگرایی است. بر اساس نتایج کلی به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود برای بهبود انگیزش دختران روستایی برای شرکت فعال‌تر در امور کشاورزی اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- توان‌مندسازی دختران روستایی برای دستیابی به پایگاهی اقتصادی- اجتماعی که در آن، خود، قدرت انتخاب شغل و حرفه‌شان را داشته‌باشند بسیار مهم است. توانمندسازی این گروه به آن‌ها کمک می‌کند تا مشارکت فعال‌تری در تصمیم‌گیری امور خانواده داشته‌باشند.

۲- برای این که دختران ترک‌تحصیل‌کرده‌ی روستایی، از وقت خود به نحو مطلوب استفاده کنند، فعالیت‌های درآمدزا و اشتغال‌زای مناسب شرایط آن‌ها مثل سبزی‌کاری، پرورش کرم ابریشم، پرورش طیور خانگی از قبیل مرغ بومی و بوقلمون، پرورش گل‌های زینتی، تولید قلمه و مانند آن که امکانات فیزیکی مورد نیاز آن‌ها نیز کم و بیش در منطقه فراهم است، مورد تشویق و حمایت دولت قرار گیرد تا دختران با اشتغال در این فعالیت‌ها بتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند و از زندگی بهتری برخوردار گردند.

۳- نظام آموزشی عمومی در این جوامع که شغل آحاد جامعه کشاورزی است، به گونه‌ئی متحول گردد که آموزش کشاورزی از همان ابتدای دوران تحصیل با استفاده و بهره‌گیری از تفکر سیستمی در این نظام نهادینه گردد تا نه تنها انگیزش نسبت به کشاورزی بهبود یابد، بلکه مخاطبان مربوط، به صورت اصولی به مهارت‌ها و دانش مورد نیاز این شغل مجهز گردند.

۴- در تدوین و اجرای برنامه‌های ترویجی، جای‌گاه خاصی متناسب با انگیزش دختران روستایی نسبت به امور زراعی، باغی و دامی و میزان

مشارکت آنها در این امور برای شان در نظر گرفته شود. این امر، نه تنها به اصل تمامیت خانواده که یکی از اصول بنیادین علم ترویج است جامه‌ی عمل می‌پوشاند، بلکه اگر در طراحی و اجرای این برنامه‌ها، خود دختران روستایی نیز سهیم باشند و به صورت فعال مشارکت نمایند، توان‌مندسازی آنها را نیز به تدریج در بر خواهد داشت.

۵- توسعه و ترویج فن‌آوری‌های نوین کشاورزی، مرتبط با الگوی مشارکت دختران در بخش کشاورزی، عوامل بازدارنده‌ی مشارکت آنها را در فعالیت‌های کشاورزی از بین می‌برد. امروزه، اگر مادران باسوادتر مایل به پذیرش شغل کشاورزی توسط دختران خود نیستند، به این دلیل است که این شغل به صورت سنتی رایج است و پیوند ضعیفی با علوم و فن‌آوری‌های نوین دارد.

Archive of SID

منابع

- ۱- بافورد، جمیز؛ بدیان، آرتور جی. (۱۳۷۵) مدیریت در ترویج. ترجمه‌ی محمد چیلری. تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ۲- بال، ساموئل (۱۳۷۳). انگیزش در آموزش و پرورش. ترجمه‌ی سید علی‌اصغر مسدد. شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۳- پروا، مهدی (۱۳۶۳). روان‌شناسی صنعت و مدیریت. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۴- زمانی، غلام‌حسین (۱۳۷۱). «نظریه‌های انگیزش و کاربرد آن‌ها در ترویج و آموزش کشاورزی». مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور. تهران، سازمان ترویج کشاورزی، چاپ اول.
- ۵- سیتزر، ریچارد ام؛ پورتر، دلان دلیو. (۱۳۷۲). انگیزش و رفتار در کار. ترجمه‌ی امین‌الله علوی. جلد اول. تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۶- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۱). روان‌شناسی پرورشی. تهران، انتشارات آگاه.
- ۷- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۰). روان‌شناسی عمومی. جلد اول. تهران، انتشارات توس.
- ۸- شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۲). گزارش نهایی پروژه‌های هفتم و هشتم طرح مطالعاتی تعیین نیازهای آموزشی-ترویجی زنان روستایی ایران. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- ۹- کدیور، پروین (۱۳۷۹). روان‌شناسی تربیتی. تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). شناسنامه‌ی آبادی‌های کشور، شهرستان کرمانشاه.
- ۱۱- نائلی، علی‌محمد (۱۳۷۳). انگیزش در سازمان‌ها. اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران.